

مولفه ها و کیفیت ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام

علی ستاری^۱ | مرضیه شاهنوش^۲ | پروین صمدی^۳

۵۸

سال سی و یکم
بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۰/۰۸/۲۹
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱/۰۶/۲۹
صص: ۳۷۲-۳۵۳

شابا چاپ: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

مسئله نگاه تک بعدی به ارزشیابی در نظامات تربیتی، باعث بروز مشکلاتی برای متریبان می‌شود. در اسلام نگاه به ارزشیابی با ابعاد جامع‌تری صورت می‌گیرد. هدف این مقاله، تبیین مولفه‌ها و کیفیت ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام است. در راستای این هدف، سه مولفه اساسی هدف، روش و ویژگی‌های ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام تبیین شد. در گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی از آیات قرآن، احادیث و تفاسیر استفاده به عمل آمد. نتایج نشان داد نظام ارزشیابی در اسلام با لحاظ نمودن ویژگی‌های جامعیت، کیفیت، کمیت، دقت و اطمینان و مولفه‌های اساسی هدف، زمان، مکان، روش‌ها، ابزار و ملاک‌های ارزشیابی، تفاوت‌هایی با روش‌های ارزشیابی مرسوم دارد. با مفروض قرار دادن این‌که آموزش و پرورش در کشور ما قصد تاسی از آموزه‌های تربیت اسلامی را دارد، در این صورت ضرورت روی آوری به ویژگی‌ها و مولفه‌های اساسی ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام وجود دارد. بدینسان پیشنهاد پژوهش به سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و عوامل تربیتی در آموزش و پرورش، روی آوری به سنت ارزشیابی در اسلام است.

کلیدواژه‌ها: مولفه، کیفیت، ارزشیابی، نظام تربیت، اسلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.58.11.1

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران ایران. hisattari@alzahra.ac.ir
۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران ایران.
۳. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران ایران.

مقدمه و بیان مسأله

در دو قرن اخیر اختلاف عمیق و بنیادین میان دو جهان بینی دینی که به جهان بینی خداپاورانه و جهان بینی انسانی که به جهان بینی انسان گرایی^۱ معروف است، تاثیر خود را بر جنبه‌های مختلفی از دانش و زندگی انسان نشان داده است. برخورد این دو جهان بینی با یکدیگر سبب شده تا نظریات مختلفی بین متفکران این دو حیطه در وجوه مختلف دانش و زندگی شکل بگیرد. لذا از میان نظریات تربیتی در دانش تعلیم و تربیت، روش‌های تربیتی خاصی منبعث شده است. به عنوان نمونه نظریه رفتارگرایی^۲ در روان شناسی که اصول آن به حوزه روان شناسی تربیتی^۳ نیز راه یافته و در سطح وسیعی از نظامات تربیتی به کار گرفته می‌شود، سبب شده تا روش‌های تربیتی خاصی در تعلیم و تربیت به وجود بیاید که در آن عینیت^۴، مشاهده^۵ و تجربه اعمال و اقدامات تربیتی، محور فعالیت‌ها به حساب می‌آید. در این راستا ارزشیابی از آموخته‌ها و افعال مورد انتظار مخاطبان تربیتی یکی از اعمال و اقدامات مهم تربیتی است که تحت تاثیر نگرش و نظریه رفتارگرایی بر عینیت و مشاهده پذیر بودن اعمال و اقدامات تربیتی تکیه داشته و بر همان اساس قضاوت می‌شود. به عنوان نمونه تاکید بر ملاحظه هدف‌های رفتاری^۶ در آزمون و امتحان بر رعایت اصل عینیت^۷ پذیر بودن پرسش‌ها و پاسخ‌های امتحانی تاکید دارد و توصیه به انجام قضاوت‌های عینی از سوی معلمان و مربیان، برخاسته از همین نگرش است. در مقایسه با نظریه رفتارگرایی، آموزه‌های موجود در نظام تربیت دینی، خداپاورانه است که دارای تفاوت‌هایی اساسی با نظریه رفتارگرایی است. این تفاوت به ویژه در ارتباط با عنصر ارزشیابی نمودها و تظاهرات خاصی پیدا می‌کند.

1. humanism
2. behaviorism
3. educational psychology
4. objectivity
5. observation
6. behavioral objectives
7. objectivity

در نظام تربیتی اسلام، گزاره‌های تربیتی و ویژگی‌های ارزشیابی حاصل از آن از مولفه‌های اساسی و ویژگی‌های سنت ارزشیابی خداپاوارانه دریافت می‌شود که در متون دینی و عموماً در ساحت تربیت دینی تجلی یافته است. هر چند نظریه رفتارگرایی ممکن است در برخی جنبه‌ها با سنن خداپاوری و مولفه‌های دینی همخوانی و همپوشانی داشته باشد، اما لزوماً در ساحت دینی شناسایی نمی‌شوند و بیشتر حاصل یک نظریه یادگیری است که به وسیله انسان تولید شده و فقط بر جنبه‌ای خاص از شناخت یعنی مشاهده پذیر بودن استوار است. در این راستا جان. بی. واتسون^۱ به عنوان پایه گذار و بی. اف. اسکینر^۲ به عنوان نماینده تمام عیار این نظریه شناسایی می‌شود.

مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که ویژگی‌ها و مولفه‌های ارزشیابی انسان‌گرایانه به دلیل تکیه بر مشاهده و تجربه کامل نبوده و مشکلاتی را در تعلیم و تربیت دامن می‌زند. به عنوان مثال بروز مسائلی چون جزئی‌نگری (پوپر، ۱۳۷۰، صص ۶۸-۶۹)، ابطال‌پذیری (پوپر، ۱۳۷۰، صص ۴۴ و ۸۱ تا ۹۵؛ خرمشاهی، ۱۳۶۱، صص ۲۴-۳۲)، عدم تعمیم‌پذیری (پوپر، ۱۳۷۰، صص ۳۲-۳۳؛ مگی، صص ۴۰-۴۱)، بسی دقتی و اشتباه (بریان، ۱۳۵۹، صص ۳۳-۳۶)، قضاوت‌های غلط و عجولانه و فاقد انعطاف در ارزشیابی از جمله مشکلات و مسائل مربوط در این زمینه است. مسائلی از این دست باعث ایجاد خیل ناراضیانی است که با عنوان دانش‌آموز و دانشجو از روند و نتایج ارزشیابی در محیط‌های مدرسه و دانشگاه ناخشنود هستند. به طوری که عدم رضایت از ارزشیابی حتی به والدین، معلمان، اساتید و متخصصان تربیتی نیز گسترش میابد. (توتونچی و دیگران، ۱۳۸۵، صص ۲۳-۳۱). از همین جا است که گاهی مشاهده می‌شود که مخاطبان تربیتی قضاوت اصلی در ارزشیابی و امتحانات را به نظامی ماورای جهان ملموس و عینی واگذار کرده و نتیجه اصلی قضاوت را در جهانی دیگر به انتظار می‌نشینند. به نظر می‌رسد این واگذاری قضاوت به موجودی فرامادی از سوی نشان‌دهنده نوعی کاستی و نقص در نظام ارزشیابی انسانی و از سوی دیگر نشان‌دهنده وجود نظام ارزشیابی برتر با ویژگی‌ها و مولفه‌های خاصی است که فراتر بوده و با دقت و اعتبار بیشتری نسبت به نظام اعمال و رفتارهای

1. John. B. Watson
2. B.F.Skinner

انسان عمل می‌کند. در این پژوهش قصد داریم تا به مقایسه تطبیقی عنصر ارزشیابی و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن را در دو نظام تربیتی اسلام و نظام تربیت انسانی بپردازیم.

مبانی نظری

به تبع کاربردهای گوناگون در حوزه‌های مختلف دانش، تعاریف گوناگونی از ارزشیابی به عمل آمده است. تنوع تعاریف در حوزه تربیت نیز به چشم می‌خورد. در حوزه تربیت، ارزشیابی در ارتباط با ارزشیابی فرایند برنامه ریزی آموزشی و درسی، ارزشیابی کارایی برنامه‌های تربیتی، ارزشیابی آمادگی و محیط یادگیری، ارزشیابی آموخته‌های یادگیرندگان و ارزشیابی به مثابه آزمون و امتحانات به کار می‌رود. (کیامنش، علیرضا، ۱۳۷۴، ص ۶) در این تحقیق منظور پژوهشگر از ارزشیابی کاری است که در پایان کار تربیتی انجام می‌شود و اصطلاحاً از آن با عنوان آزمون و امتحان در نظامات تربیتی متداول همچون مدرسه و دانشگاه و در حوزه نظام تربیت اسلامی به هنگام رسیدگی به اعمال و جزا و پاداش انجام می‌شود.

نظریه پردازان در موضوع ارزشیابی، در نوع جهان بینی و ایدئولوژی و براساس تجارب حرفه ای خود با هم تفاوت دارند. لذا مشاهده می‌شود که مدل‌ها و الگوهای ارزشیابی متفاوتی که گاه به بیش از ۵۰ الگو فقط در مباحث ارزشیابی آموزشی می‌رسد، ارائه شده است (بازرگان، ۱۳۸۸، ص ۹۳). اما به نظر می‌رسد دو پارادایم عمده ارزشیابی که بر اساس نظام‌های فلسفی و معرفت شناسی و پارادایم‌های مرتبط با آنها ارائه شده عبارت است از: پارادایم خردگرایانه^۱ و پارادایم طبیعت‌گرایانه^۲ (همان، ۱۳۸۸، ص ۹۵). این دو پارادایم در تبیین نظام‌های ارزشیابی بشری و الهی و فهم این دو حائز اهمیت است. الگوی خردگرایانه خود در نحوه انجام امور جهان و ماهیت یادگیری و فهم ما از آن بر جزء نگری، تکرار پذیری و ابطال پذیری تکیه دارد. جزء نگری به این معنی است که اجزا را می‌توان برای مطالعه از کل مجموعه جدا کرد بدون اینکه در خصوصیات هر جزء تغییری بوجود آید. همچنین تکرار پذیری به معنای اعتقاد بر تکرار تجارب در زمان‌های بعدی و به وسیله دیگران است و ابطال پذیری یعنی هر ادعایی هم قابل پذیرش و هم قابل رد شدن است. به عبارت دیگر امر مطلق وجود ندارد و همه چیز نسبی است. (ابیلی ۱۳۷۵، ص ۳۸) در

1. nationalistic paradigm
2. naturalistic paradigm

پارادایم طبیعت‌گرایانه، بر طبیعت یک پدیده و امر تاکید می‌شود. فرض الگوی طبیعت‌گرا بر این است که واقعیت در خارج از ما به نحوی موجودیت ندارد که همگان بتوانند آن را ببینند و به طور یکسان تجربه کنند. جهان هم‌یافتنی به عنوان یک واقعیت عینی و هم‌ساختنی به معنی آن که به طور اجتماعی و به وسیله فرد ساخته می‌شود، قابل دریافت و درک است. پیشنهاد پارادایم طبیعت‌گرا این است که رفتار انسان به همان شکلی که روی می‌دهد در وضعیت طبیعی خود و در چهارچوب کلی آن مورد مطالعه قرار گیرد. این رویکرد به دنبال مطالعه واقعیت به عنوان یک کل است، بدون اینکه واقعیت را به صورت مصنوعی به اجزا و بخش‌هایی مناسب حال ارزشیاب تقسیم کند. پارادایم طبیعت‌گرا با رویکرد کیفی و پدیده‌شناختی جهت‌گیری می‌شود.

ارزشیاب طبیعت‌گرا برخلاف ارزشیاب خردگرا به دنبال کشف قوانین تعمیم‌پذیر نیست؛ بلکه جویای کشف بینش‌هایی است که از یک قالب و چهارچوب به قالبی دیگر قابل انتقال باشد (همان ص. ص، ۳۹-۴۰)

بنابر آن چه که در تبیین دو پارادایم خردگرایانه و طبیعت‌گرایانه اشاره شد باید پذیرفت که هر دو پارادایم دارای نقاط قوت و ضعفی هستند که بررسی مبسوط آن‌ها در اینجا امکان‌پذیر نیست. اما نگاهی کلی به این ضعف‌ها و قوت‌ها بیان‌گر آن است که نیاز به رویکرد سومی پدید می‌آید که ما در این پژوهش از آن به ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام یاد می‌کنیم. با نگاهی به عملکرد ارزشیابی در پارادایم خردگرایانه در میابیم علیرغم برخی نقاط قوت در خردگرایی همچون دقت زیاد در محاسبات، قدرت پیش‌بینی و ملاحظه جزئیات دقیق، این رویکرد در عمل دچار مشکلاتی می‌شود. به عنوان مثال، تعیین ملاک‌های مناسب برای قضاوت درباره اعتبار و ارزش برنامه‌های تربیتی که مبتنی بر رفتار انسان است اغلب مشکل است. چرا که در تعلیم و تربیت همه جوانب رفتارهای مخاطبان آموزشی را نمی‌توان مورد مشاهده تجربی قرار داد و قضاوت به عمل آورد. ارزشیاب خردگرا ضمن تلاش خود برای کنترل متغیرها، رفتار انسان را به گونه‌ای غیرطبیعی تقطیع می‌کند و با این کار در واقع موجبات تغییر ماهیت رفتار مورد مطالعه انسان را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، گردآوری ارقام و تحلیل‌های آماری داده‌ها شاید زیبا و گیرا جلوه کند اما حاصل کار ناچیز و حتی گمراه‌کننده خواهد بود (ایبلی ۱۳۷۵، ص ۴۳) به عنوان مثال نیت درونی مخاطبان آموزشی، رفتارهای پنهان آن‌ها که به قصد پرهیز از ریا صورت

می‌گیرد. مثل کمک به دوستان فقیر، انفاق پنهانی، صدقات که در خفا داده می‌شوند و یا عبادت‌هایی که نشان داده نمی‌شوند و اعتقاداتی که در حوزه ذهن پنهان می‌مانند، از جمله مواردی هستند که از طریق مشاهده و تجربه نمی‌توان آن‌ها را دریافت. بنابراین پارادایم خرد گرایانه که بر خرد انسانی آن هم در زمینه مثال‌های یاد شده بر حوزه ناقص خرد انسان تکیه می‌کند از اشتباه مصون نبوده و با اطمینان کمی می‌توان در باب آن‌ها قضاوت به عمل آورد. از این رو نیاز به سنت و رویکردی در ارزشیابی وجود دارد که ضعف‌های یاد شده را بپوشاند.

این ضعف در ارتباط با ارزشیابی تاثیر یافته از پارادایم طبیعت گرایانه نیز وجود دارد. به طوری که حتی با بهره‌گیری از روش‌های ارزشیابی موجود در پارادایم طبیعت گرایانه که از جزء نگری‌های دقیق پارادایم خرد گرایانه پرهیز می‌کند مشکلاتی بروز می‌کند. با تکیه بر همان مثال‌های بالا افراد در بازگو کردن داده‌هایی که نشان دهند اعمال نیک و بدی را انجام می‌دهند محدودیت دارند. برای رفع این مشکل نظام ارزشیابی در سنت الهی و در چهارچوبه تربیت دینی می‌تواند راهگشا باشد. از این رو در این پژوهش قصد آن را داریم تا تبیینی از مولفه‌ها و کیفیت این نظام داشته باشیم.

پیشینه پژوهش

در دو دهه اخیر پژوهشگران به بررسی تطبیقی برخی از مولفه‌های ارزشیابی متداول و ارزشیابی دینی پرداخته‌اند. حسینی زاده (۱۳۸۶) بدون جمع‌آوری مولفه‌ها و عناصر ارزشیابی، به ارزشیابی آموزشی در سیره معصومین اشاره کرده است و بر ارزشیابی شفاهی و فردی تاکید نموده است. بهارستان (۱۳۸۱) با تکیه بر نهج البلاغه به مطالعه تطبیقی ارزشیابی در مدیریت اسلامی و مدیریت متداول پرداخته است. جاسبی و ربیعی (۱۳۷۸) به جنبه‌های فلسفی ارزشیابی از دیدگاه مدیریت اسلامی و به تعابیر مختلف قرآن از امتحانات الهی اشاره کرده است. ویسی (۱۳۸۴) به اصول ارزشیابی عملکرد بر اساس مستندات قرآنی و روایی پرداخته است. نقوی و فرهادی (۱۳۹۵). ویژگی‌ها و مولفه‌های الگوی ارزیابی عملکرد سازمانی از منظر نهج البلاغه را تبیین کرده‌اند. شکاری (۱۳۸۵) در صدد تطبیق مبانی نظری نظارت و ارزشیابی مدیریت غربی با مدیریت علوی بوده است. نجفی (۱۳۹۵) با هدف بررسی تطبیقی عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی شامل

اهداف، محتوی، روش‌های یاد دهی، یادگیری و ارزشیابی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری و ژان ژاک روسو مواردی از ارزشیابی را از دیدگاه مطهری و روسو تطبیق نموده است. کفاشان و خیرالله (۱۳۹۶) با تکیه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به ضرورت ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مبتنی بر شایستگی بر اساس آموزه‌های دینی به شیوه کسب شایستگی عملکردی پرداخته اند.

با نگاهی به پژوهش‌های یادشده در میابیم که پژوهش‌های مرتبط با موضوع حاضر بیشتر حول موضوع ارزیابی عملکرد در حوزه مدیریت و سازمان و یا ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و یا ارزشیابی برنامه درسی مدارس شکل گرفته و بعضاً به مطالعه تطبیقی اهداف و محتوای ارزشیابی دینی با ارزشیابی متداول در حوزه‌های مذکور تمرکز داشته اند. لذا عنصر ارزشیابی و تبیین مولفه‌ها و ویژگی‌های آن در نظام تربیتی اسلام حلقه مفقوده همه پژوهش‌های صورت گرفته است. در این مقاله سعی شده تا برای نخستین بار مولفه‌ها و کیفیت ارزشیابی در نظام تربیت اسلامی تبیین شود.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است و در انجام آن از روش توصیفی - تحلیلی استفاده به عمل آمده است. مولفه‌های مورد نظر شامل عناصر اساسی هدف، روش و نتایج ارزشیابی است. در گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی عمل شده و در این مسیر به متون و منابع دینی به ویژه قرآن و احادیث مراجعه شده است. لازم به یادآوری است که پژوهشگر تا جایی که ممکن بوده از قرآن به عنوان منبع اصلی پژوهش استفاده نموده و کمتر به سراغ سایر منابع اسلامی رفته است. لذا در راستای گردآوری داده‌ها، استفاده حداکثری از قرآن و استفاده حداقلی از سایر منابع مدنظر بوده است. همچنین به منظور تعمیق بیشتر بحث‌ها از تفاسیر مربوط به قرآن نیز کمک گرفته شده است.

سوالات

با توجه به مساله ای که بیان شد و با در نظر داشتن هدف پژوهش، تلاش خواهیم نمود تا به این سوالات پاسخ دهیم:

۱. مولفه‌های اساسی در ارزشیابی نظام تربیتی اسلام چیست؟
۲. کیفیت ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام چگونه است؟

یافته‌ها

در ادامه یافته‌های پژوهش را بر اساس سوالات و در دو قسمت مولفه‌های اساسی و کیفیت در ارزشیابی نظام تربیتی اسلام ارائه خواهیم داد.

مولفه‌های اساسی در ارزشیابی نظام تربیتی اسلام

مولفه ۱. هدف ارزشیابی

هدف مهم‌ترین عنصر تربیت به حساب می‌آید. همه نظامات تربیتی به دنبال تحقق اهداف خاص خود هستند. در این راه از ارزشیابی استفاده می‌کنند. به طوری که خود ارزشیابی در ارتباط با انجامش، هدفی را دنبال می‌کند. به عبارت دیگر هدف از ارزشیابی عبارت است از کسب اطمینان از رسیدن به هدف اصلی تربیت. در این راستا ارزشیابی هدفی واسطی برای رسیدن به هدف اصلی در تربیت است. تربیت در اسلام نیز دارای هدف است. در اسلام هدف از تربیت به فعلیت رساندن استعدادها و ذاتی انسان در مسیر کمال انسانی است و در راه رسیدن به این هدف از ارزشیابی استفاده می‌شود. از اینرو هدف از ارزشیابی در اسلام، اطمینان از رسیدن به هدف غایی انسان یعنی کمال او است. در ادامه به بررسی بیشتر هدف ارزشیابی در اسلام می‌پردازیم.

در پاسخ به این سوال که هدف از ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام چیست؟ باید دید ارزشیابی اساساً به چه منظوری، چگونه و با چه دستاوردی انجام می‌شود؟ با توجه به تعریفی که از ارزشیابی به عمل آمده، ارزشیابی اساساً برای کسب اطلاعاتی بیشتر در ارزش موضوع مورد ارزشیابی و با تکیه بر ملاک‌ها و معیارها و میزانی از دانش قبلی انجام می‌شود و حاصل آن دانش افزوده‌ای است که در اثر قضاوت به دست می‌آید. ممکن است موضوع ارزشیابی یک شیء باشد مثل یک اثر باستانی و یا یک فرد باشد مثل آموخته‌های یک دانش آموز و دانشجو. بدینسان در هر موضوعی ماهیت ارزشیابی اینگونه است که در آن به میزانی از دانش قبلی در مورد موضوع،

ملاک‌ها و معیارهای ارزشیابی و دانش بعدی که در اثر قضاوت به دست می‌آید، نیاز داریم. لذا آزمایش‌ها و ارزشیابی‌های ما برای شناخت بیشتر و رفع ابهام صورت می‌گیرد.

با مراجعه به آیات قرآن این نوع برداشت از هدف ارزشیابی که در آن کسب اطلاعات بیشتر مد نظر باشد، در مورد خداوند صدق نمی‌کند. چرا که در قرآن علم خداوند بی حد و مرز توصیف شده است (انعام؛ ۵۹). با این حال در سنت الهی ما شاهد ارزشیابی هستیم و این ارزشیابی طبعاً هدفی را به دنبال دارد. در این صورت این سوال پیش می‌آید که با وجود علم خداوند به همه چیز، چرا خداوند به دنبال ارزشیابی نیز هست؟ در قرآن کریم یکی از سنن مهم الهی، سنت امتحان و آزمایش به شمار آمده است و افزون بر ۲۳ بار از واژه فتنه، ۲۷ بار از واژه ابتلا و بلا، ۲ بار از واژه امتحان، ۴ بار از واژه تمیز و ۲ بار از واژه تمحیص برای بیان این سنت بزرگ استفاده شده است. از اینرو می‌توان ادعا نمود که بدون شک امتحان و آزمایش افراد یک قانون کلی و سنت دائمی خداوند است. این امتحان الهی شامل همه بوده و حتی شامل کسانی که ایمان آورده اند نیز می‌شود (عنکبوت: ۲). هدف ارزشیابی در جایی دیگر از قرآن تمحیص، نمایاندن و آشکار کردن خوبی‌ها و بدی‌های درون انسان‌ها و خالص گردانیدن آن‌ها بیان شده است (آل عمران: ۱۵۴). همانگونه که ملاحظه می‌شود، در این آیه خداوند در عین آگاهی از درون انسان‌ها، با هدف نمایاندن خوبی‌ها و بدی‌ها به انسان (و نه برای خود) به ارزشیابی انسان اقدام می‌کند. لذا از منظر قرآن، صفات درونی انسان به تنهایی نمی‌تواند معیاری برای ثواب و عقاب گردد، مگر آن زمانی که در لابلای اعمال انسان خودنمایی کند؛ از اینرو خداوند بندگان را می‌آزماید تا آنچه در درون دارند در عمل آشکار کنند، استعدادها را از قوه به فعل برسانند و مستحق پاداش و کیفر او گردند.

در کنار این سنت عام و فراگیر، هدف دیگری در سنت خداوند وجود دارد که قلمروی عام داشته و مرتبط با ارزشیابی خداپورانه است و آن بحث نظارت همگانی با فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. در ادبیات مربوط به ارزشیابی، صاحب نظران تفاوت چندانی بین مفهوم نظارت و مفهوم ارزشیابی قائل نیستند. زیرا به واقع نظارت نمی‌تواند از ارزشیابی جدا باشد و ارزشیابی می‌تواند و باید به رشد افراد تحت نظارت کمک کند (بولان، ۱۳۷۵، ص ۲۰). در اسلام امر به معروف و نهی از منکر، نشانه اهتمام به امور خلق و احساس مسئولیت در برابر دیگران و دغدغه رشد و هدایت آنهاست. امر به معروف و نهی از منکر به طور توأمان و به تعداد ۹ بار در آیات

قرآن ذکر شده است (آل عمران، ۱۰، مائده، ۷۹، حج، ۴۱، توبه، ۶۷، ۷۱ و ۱۱۲، اعراف، ۱۵۷ و ۱۱۴، لقمان، ۱۷). روایات و احادیث نیز موید آن است که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظارت و ارزشیابی فردی و اجتماعی هم یک وظیفه شرعی و عقلی و هم یک حق طبیعی ناشی از سرنوشت مشترک انسانهاست و شامل احکام و مسائل شرعی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی می‌شود و مربوط به همه معتقدان به مکتب الهی است و زن و مرد و کوچک و بزرگ مشمول آن بوده و محدودیت زمانی و مکانی ندارد (نهج البلاغه، خطبه، ۱۰۵، ۱۵۶ و ۱۹۲ و کافی، ج ۲، ص ۳۹۶، ج ۵، ص ۵۹-۶۰). براساس این دو سنت یعنی آزمایش الهی و نظارت همگانی و با توجه به ویژگی‌های شناختی تفکر و تعقل در انسان، می‌توان گفت که برخی از اهداف ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام به قرار زیر است:

۱. **پاسخگویی:** در اسلام هر فردی در هر سمت و فعالیتی و در هر زمان و مکان در چهار حوزه خود، خدا، جامعه و محیط پاسخگویی اعمالش است (مدثر: ۳۸، اعراف: ۶).
۲. **ایجاد تغییر:** ارزشیابی خداپاورانه سبب شناسایی نقاط قوت و ضعف افراد، برنامه‌ها و سیاست‌ها شده، و زمینه را برای اصلاح و تغییر لازم فراهم می‌آورد. (ملک: ۲).
۳. **بروز توانمندی افراد و آشکار ساختن استعدادها و درونی انسان:** ارزشیابی موجب می‌شود تا استعدادها و توانمندی درونی افراد آشکار شود. در قرآن، اینگونه ارزشیابی با واژه تمحیص بیان شده است. (آل عمران: ۱۴۱).
۴. **تشخیص شخصیت افراد برای واگذاری مسئولیت‌ها:** ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام سبب تعیین شخصیت افراد و ملاک شایستگی افراد برای رسیدگی به مسئولیت‌های بزرگ است (بقره: ۱۲۴).
۵. **تشخیص افراد پاک و خالص از افراد ناخالص:** ارزشیابی سبب می‌شود تا سره از ناسره جدا شود و افراد پاک و خالص از غیر آن مشخص گردند (آل عمران: ۱۷۹).
۶. **نظارت همگانی:** در اسلام نظارت به منظور اصلاح و سازندگی و تامین امنیت جامعه و عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد. (آل عمران: ۱۰۴)

مؤلفه ۲. روش ارزشیابی

در نظام تربیتی اسلام برای رسیدن به اهداف ارزشیابی و براساس دو سنت آزمایش و نظارت همگانی روش‌های زیر را می‌توان احصا کرد:

۱. **روش محاسبه (ارزشیابی درونی یا خود ارزشیابی):** محاسبه نفس عبارت است از ارزیابی اعمال و نیت‌های پنهان در آنها. از نظر حر عاملی، نجات انسان از غفلت و تدارک گذشته و اصلاح آینده در گرو محاسبه نفس است (حرعاملی: ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۹۹). این روش مورد تأکید امام علی (ع) نیز هست (نهج البلاغه: خطبه، ۹۰ و نامه، ۱۸). برای خود ارزشیابی خواه ارزشیابی عام (ارزشیابی تربیتی) و خواه ارزشیابی خاص (ارزشیابی آموزشی) از روش‌های تکمیلی مانند مراقبه، مشارطه و معاویه استفاده می‌شود (جوادی آملی: ۱۳۹۶، ص ۴۹۳-۴۹۶).

۲. **ارزشیابی مستقیم و بدون واسطه:** در این روش، ارزشیاب، کار ارزشیابی را شخصاً به عهده می‌گیرد (نهج البلاغه: نامه، ۴۲).

۳. **ارزشیابی مشارکتی:** در این روش از نظرات دیگران برای ارزشیابی استفاده می‌شود (نهج البلاغه: نامه ۱۸ و ۴۹۸، ص ۱۹).

۴. **ارزشیابی آشکار:** در این روش، ارزشیابی شونده، می‌داند که چه فرد یا افرادی او و اعمالش را مورد ارزشیابی قرار داده یا می‌دهند (نهج البلاغه: نامه، ۲۰، ص ۵۰۱-۵۰۲ و نامه ۴۲، ص ۵۴۸).

۵. **ارزشیابی مخفی:** در این روش، ارزشیابی کننده برای ارزشیاب شونده نمی‌داند که چه فرد یا افرادی، وی و رفتارش را زیر نظر دارند (نهج البلاغه: نامه، ۵۳، ص ۵۷۸ و نامه ۴۵، ص ۵۵۲).

۶. **ارزشیابی پیشینی، روندگرا و پسینی:** این سه نوع ارزشیابی را به ترتیب، ارزشیابی تشخیصی، تکوینی و پایانی می‌نامند (کیامنش: ۱۳۷۴، صص ۳۵-۷۳). در اسلام سیره امامان (معصوم (ع)، حاکی از استفاده از این سه روش ارزشیابی است. در این خصوص امام علی (ع) می‌فرماید: «کارها وقتی با هم شبیه می‌شوند آخرشان را با اولشان قیاس کن» (حکمت، ۷۶، ص ۶۳۸). ابن میثم بحرانی در شرح این حکمت می‌نویسد: «اشاره به این که همیشه آغاز و انجام کارها

با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند و در واقع شبیه علت و معلول اند^۱. این روش‌ها براساس الگوهای قرآنی ارزشیابی شامل امتحان، ابتلا، فتنه، تمییز، تمحیص و امر به معروف، نهی از منکر و در حوزه اندیشه و عمل، نسبت به هر انسان و جامعه و فارغ از هر گونه مکان و زمان صورت می‌پذیرد.

کیفیت ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام

پیش از بررسی کیفیت ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام لازم است یادآوری شود که منظور ما از کیفیت در اینجا کیفیت به معنای ارزش کیفی ارزشیابی که در برابر ارزش کمی آن مطرح می‌شود، نیست. به عبارت دیگر در اینجا به دنبال آن نیستیم تا کیفیت را در برابر کمیت قرار دهیم؛ بلکه منظور ما از کیفیت در اینجا چگونگی و ماهیت ارزشیابی است. به عبارتی در اینجا قصد آن را داریم تا ویژگی‌ها و معیارها و عواملی که در ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام دخیل هستند را معرفی نموده و تبیین نماییم.

مولفه ۳. ویژگی‌های ارزشیابی

با توجه به هدف ارزشیابی که مبتنی بر دو سنت آزمایش و نظارت تبیین شد و با نظر به اهداف و روش‌هایی که برای ارزشیابی در اسلام معرفی شد، ویژگی‌هایی برای ارزشیابی در اسلام می‌توان شناسایی کرد که در اینجا ارائه می‌شود.

ویژگی ۱. عدالت محوری و سلیقه‌ای نبودن

ارزشیابی صرفاً برای کسب اطلاعات یا شناختن انسان نیست. بلکه این گونه ارزشیابی برای پرورش استعدادها، نهفته انسان و شناساندن توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسان به خود او و شناساندن نقاط قوت و ضعف او به دیگران و جداسازی انسان‌های مومن از کافر و منافق و جاهل از قاعد و استقرار نظام شایسته‌سالاری و تحقق عدالت است (ملک آیه ۲ و عنکبوت آیه ۲). از اینرو ارزشیابی در اسلام سلیقه‌ای نبوده و در ذات خود به سمت عدالت کشیده می‌شود. در این راستا اشاره صریحی به انسان‌ها نیز در برقراری عدالت وجود دارد و لو به ضرر خود یا پدر و مادر و افراد غنی و فقیر باشد (نساء، ۱۳۵).

۱. بازیابی شده در ۱۴۰۰/۸/۳ در: <http://ahlolbait.com/article/16920/>

ویژگی ۲. جامع بودن

الگوهای ارزشیابی انسانی عموماً منطقه‌ای و براساس جغرافیای فکری و انسانی خاصی و ناظر به شرایط خاص مکانی و زمانی تدوین شده‌اند و بدین جهت قابل اجرا در بعضی کشورها و یا بعضی از جوامع انسانی نیستند و حال آنکه نظام ارزشیابی در اسلام به عنوان یک سنت غیرقابل تخلف، در همه جوامع و انسان‌ها، در همه مکان‌ها و زمان‌ها جاری و جاری است. در این خصوص در قرآن جغرافیایی انسانی و یا قومیت و نژاد و در کل زمان و مکان ملاک قضاوت نیست. تنها آنچه ملاک قضاوت در باب ارزش انسان‌ها است تقوا و پرهیزکاری آنان در نزد خداوند است (حجرات، ۱۳). همچنین گستره ارزشیابی شامل زمان خاصی نمی‌شود و خداوند و سایر عوامل ارزشیابی، به طور مستمر و دائم در حال ارزشیابی انسان هستند. در این باره امام سجاد (ع) می‌فرماید: «امروز روز نوی است و در قیامت گواه اعمالی است که در آن انجام می‌دهیم (قرائتی، ۱۳۶۳، ص.ص. ۲۸۵-۲۸۳). نتیجه آنکه ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام گسترده بوده و دارای جامعیت است و شامل زمان و مکان نمی‌شود.

ویژگی ۳. وسعت اعمال، تعدد ارزشیابی‌کننده‌ها و ابزار ارزشیابی

ارزشیابی در اسلام شامل اعمال وسیعی می‌شود و اعمال خیر و شر انسان حتی ریزترین اعمال (زالزال، ۸) مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. گاهی اعمال ارزشیابی و آزمون، شامل نعمت‌هایی چون سلامتی، ثروت، فرزند و مقام و گاهی شامل ترس، بیماری، فقر و از دست دادن مقام و فرزند است (عنکبوت آیه ۲، فتح آیه ۲۳، اسراء آیه ۷۷ و بقره آیه ۱۵۵). بنابراین ارزشیابی شامل گستره وسیعی از اعمال است. همچنین ابزار ارزشیابی و ارزشیابی‌کننده‌ها متعدد و وسیع‌اند. ارزشیابی‌کننده‌ها شامل خداوند (بقره: ۲۸۴. انشقاق: ۸ آل عمران: ۳۰، زلزال: ۷ و ۸)، فرشتگان (ق، ۱۷ و ۱۸، انفطار، ۱۱، ۱۰ و ۱۲)، پیامبر و امامان معصوم (ع)، (توبه، ۹۴، کلینی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۱۹۱) و نفس لواحه‌اند (قیام، ۱ و ۲). ابزار ارزشیابی نیز در گستره وسیعی شامل اعضا و جوارح انسان (فصلت، آیه ۲۱، یس، ۶۵، نور، ۲۴ و بقره، ۲۲۵)، نظارت پیامبران و امامان معصوم (ع)، چشم نظارت مومنان (توبه آیه ۱۰۵)، شهادت زمین (زلزال، ۴) و خود و نفس ارزشیابی‌شونده شامل نفس لواحه (قیام، ۱ و ۲) است. در این باره در قسمت عوامل ارزشیابی بیشتر توضیح خواهیم داد.

ویژگی ۴. ابتدا بر وسع و توانایی انسان

ارزشیابی در اسلام امتحان، برخلاف آزمون‌هایی که در الگوهای ارزشیابی انسانی ذکر شده است، عادلانه و به اندازه وسع و توان افراد است. چرا که خداوند در قرآن هر کسی را به قدر وسع و توان او تکلیف نموده است (بقره، ۲۸۶). بدینسان انتظاری بیش از آنچه که از انسان و میزان توانایی و قدرت او در انجام اعمال وجود دارد نیست و خداوند وسعت و توانایی انسان را در ارزشیابی ملاحظه می‌کند.

ویژگی ۵. نظارت همگانی در امر به معروف و نهی از منکر

در اسلام نظارت بر اعمال نه تنها از سوی خداوند و فرشتگان و سایر عوامل صورت می‌پذیرد، بلکه نوعی نظارت همگانی بر اعمال نیز وجود دارد. در این راستا امر به معروف و نهی از منکر از اصلی‌ترین ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام است. معروف هر کاری است که دین و عقل آن را نیکو بشناسد و منکر نیز هر آن چیزی است که بر پایه نقل و عقل زشت و ناشناخته باشد. در قرآن در این باره خداوند انسان را به امر به معروف و نهی از منکر دعوت می‌کند (حج، ۴۱، نحل ۹۰، اعراف، ۱۵۷، آل عمران، ۱۱۰، نحل، ۱۲۵، توبه ۷۱). فریضه امر به معروف مراحل گوناگونی دارد که به تناسب مخاطب و مقتضای زمان و مکان تغییر می‌یابد. در احادیث امامان معصوم (ع) به این مراحل عملی، زبانی و قلبی اشاره شده است (به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۷۶).

مؤلفه ۴. معیارها و ملاک‌های ارزشیابی

در نظام تربیتی اسلام ملاک‌ها و ارزش‌هایی وجود دارد که در نظامات تربیتی دیگر یا دیده نمی‌شود و یا اگر کمابیش دیده می‌شود، ملاک‌ها و معیارهای محوری و تعیین کننده نیستند. به عنوان مثال ممکن است اعتقاد به خداوند در نظامات تربیتی دیگر غیر از نظام‌های دینی نیز مشاهده شود، اما در اسلام این اعتقاد مرکزی بوده و همه معیارها و فعالیت‌ها پیرامون آن و متأثر از آن شکل می‌گیرند. در ادامه برخی از این ملاک‌ها را اشاره و تبیین می‌کنیم.

۱. ایمان: از دیدگاه اسلام میان ایمان و عمل ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ هر چند این دو از لحاظ مفهوم متمایزند. در آیات متعدد قرآنی ایمان و عمل صالح با هم ذکر شده اند که بیانگر آن است که ایمان بدون عمل، ایمان واقعی نیست و چنین نیست که هر عملی، هم با هر نیتی بر ایمان

دلالت کند. تنها عملی ارزشمند است که از روی ایمان و بندگی خدا ناشی می شود و نه عملی که از سر نفع شخصی و عادت و ریا به انجام برسد. (بقره، ۲۶۶، رعد، ۲۹، یونس، ۶۳، کهف، ۱۰۷)

۲. عبادت: عبادت به معنای عام یعنی انجام عمل و کار به انگیزه و قصد تقرب به خداوند که هدف غایی خلقت انسان است. (ذاریات: ۵۶). این معنای عمیق و گسترده از عبادت، شاخص‌های دیگر را در نظام ارزشیابی خداپاورانه در بر می گیرد. مثل تواضع، انفاق، تهجد، رفق و مدارا، عفت و پاکدامنی، رعایت حق حیات انسان‌ها، رعایت محیط زیست، رعایت بهداشت و نظافت، انجام واجبات و ترک محرّمات. بنابراین عبادت از جمله معیارها در نظام ارزشیابی اسلام است.

۳. تقوا: از ریشه وقایه به معنای خود کنترلی، خویشتن داری و مراقبت از نفس است و دارای مراتبی است که حداقل آن انجام واجبات و ترک محرّمات است (انفال: ۲۹). در نظام تربیتی اسلام تقوا یکی از مهم ترین ملاک‌های ارزشیابی در افراد است. پرهیز از گناهان و گرایش به اعمال صالح به وسیله تقوی سنجیده می شود و از همین رو است که ارزش واقعی انسان در سایه تقوی در قرآن لحاظ گردیده است (حجرات، ۱۳).

مؤلفه ۵. عوامل ارزشیابی

در نظام تربیتی اسلام، ارزشیابی کننده و ارزشیابی شونده توسط عواملی صورت می گیرد. این عوامل ممکن است در نظامات ارزشیابی دیگر تفاوت داشته باشند. در ادامه عوامل ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام معرفی می شود.

۱. خداوند: اولین و اصلی ترین ارزشیاب اعمال و رفتارهای انسان خداوند است. (بقره: ۲۸۴). انشقاق: ۸ آل عمران: ۳۰، زلزال: ۷ و ۸) چرا که اشراف کاملی بر ویژگی‌های وجودی انسان داشته و از نیات درونی او به خوبی آگاه است. در این باره علامه طباطبایی می نویسد: «خدای سبحان محیط به خلاق است، هم به عین و جسم آنها، و هم به آثار و اعمالشان، چه ظاهرش و چه باطنش، چه اینکه پنهان بدارند و چه آشکار کنند و چگونه تصور دارد که محیط باشد ولی آگاه نباشد؟» (طباطبایی، تفسیر آیه ۶ سوره زمر، ۱۳۶۲، ج ۱۷). ایشان در همین ارتباط می نویسد: «از آنجایی که انسان و همچنین هر مخلوق دیگر که حظی از بقا دارد همانطور که در ابتدای به وجود آمدنش محتاج به پروردگار خویش است، همچنین در بقاء خود نیز محتاج به عطای اوست، مؤید این

معناست که تا هستی انسان باقی است خداوند متعال از خاطرات قلبیش آگاه است و در واقع بر او نظارت دارد. (طباطبایی، پیشین، ج ۱۸، ص ۵۱۸)

۲. فرشتگان: فرشتگان واسطه فیض خداوند و انسان اند و در ارتباط با اعمال و رفتار انسان‌ها وظیفه شان ثبت و ضبط اعمال خوب و بد انسان است. از اینرو خداوند دو فرشته در راست و چپ انسان قرار داده تا بر اعمال او نظارت و آن‌ها ثبت و ضبط نمایند (ق، ۱۷ و ۱۸، انفطار، ۱۰، ۱۱ و ۱۲). از روایات معصومان (ع) چنین استفاده می‌شود که خداوند جز در مواردی که اسرار بندگانش در میان باشد که خود به ضبط اعمال انسان می‌پردازد، در سایر مواقع فرشتگان بر ثبت اعمال انسان‌ها مبادرت می‌کنند. در ان راستا امام صادق (ع) بر دو نوع نظارت بر اعمال انسان به وسیله خداوند و فرشتگان را بیان فرموده اند (محدث نوری، ۱۹۸۸م، ص، ۶۸).

۳. عوامل شاهد: علاوه بر خداوند و فرشتگان که عوامل اصلی نظارت و ارزشیابی در اعمال انسان هستند. برخی عوامل دیگر وجود دارند که بر اعمال انسان شهادت و گواهی می‌دهند. به عبارتی این عوامل ثبت کننده اعمال نیستند و تنها شاهد اعمال انسان بوده و بر اعمال انسان گواهی و شهادت خواهند داد. در این دسته پیامبران و امامان (ع)، قرار دارند که هر یک شاهد اعمال مردم عصر خویش اند. (توبه، ۹۴، کلینی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص، ۱۹۱) علاوه بر پیامبران و امامان (ع)، اعضاء و جوارح انسان نیز شاهد بر اعمال و رفتار انسان‌ها هستند. در این باره در آیات قرآن به این عوامل اشاراتی صریح و آشکار شده است (فصلت، آیه ۲۱، یس، ۶۵، نور، ۲۴ و بقره، ۲۲۵). به نظر می‌آید اعضاء و جوارح هر کدام مستعد انجام عمل صالح یا گناه یک فرد هستند. همچنین نزدیک‌ترین شاهدان به انسان و همیشه همراه اویند. از اینرو شاهدان خوبی هم بر نظارت و هم بر شهادت بر اعمال و رفتار انسان هستند. به عوامل یاد شده می‌توان شهادت مومنان (توبه آیه ۱۰۵)، شهادت زمین (زالزال، ۴) و نفس لوامه را نیز اضافه کرد. (قیام، ۱ و ۲).

نتیجه گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه‌ها و کیفیت ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام انجام شد. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش به شرح زیر بحث و نتیجه‌گیری می‌شود.

مولفه‌های اساسی در نظام تربیتی اسلام در قالب هدف، روش، ویژگی‌ها و ملاک‌های ارزشیابی شناسایی شد. در حوزه هدف، دو سنت یعنی آزمایش الهی و نظارت همگانی تعیین‌کننده هدف ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام و جاکم بر آن هستند. در سایه این دو سنت، پاسخگویی، تغییر و بروز استعدادها، وجود آدمی، تشخیص شخصیت افراد برای واگذاری مسئولیت‌ها و تشخیص افراد پاک و خالص از افراد ناخالص و نظارت عمومی بر اعمال حاصل می‌شود.

در ارتباط با مولفه روش ارزشیابی در نظام تربیت اسلامی می‌توان به روش‌های محاسبه نفس (ارزشیابی خود یا ارزشیابی درونی)، ارزشیابی مستقیم و بدون واسطه، ارزشیابی مشارکتی، ارزشیابی‌های آشکار و پنهان و ارزشیابی‌های پیشینی، روند گرا و پسینی می‌توان اشاره کرد. موارد یاد شده با الگوهای قرآنی ارزشیابی یعنی امتحان، ابتلاء، فتنه، تمیز، تمحیص و امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌شود. همانگونه که ملاحظه می‌شود، در روش شناسی ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام، دو گانه‌های فردی و اجتماعی، آشکار و پنهان و پیشینی و پسینی قابل دریافت بوده و این نشانه جامع بودن ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام است.

در باب کیفیت و چگونگی ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام، ویژگی‌هایی در این نظام قابل شناسایی است که آن را از سایر مکاتب فکری غیر دینی متمایز نموده و منحصر به فرد می‌سازد. ویژگی‌هایی همچون وجود اعمال وسیع در ارزشیابی، تعدد ارزشیابی‌کننده‌ها و تنوع ابزار ارزشیابی، توجه به وسع ارزشیابی شونده، جامعیت زمانی و مکانی. در سایه ویژگی دقت و جامعیتی که در نظام ارزشیابی اسلام وجود دارد، ارزشیابی نه تنها شامل همه اعمال و رفتار انسان‌ها می‌شود، بلکه شامل آنچه که در نیات و ذهن‌های افراد از کوچک‌ترین و ریزترین کارها تا مهم‌ترین آنها وجود دارد نیز می‌شود. به این منظور عوامل متعدد و ابزار گسترده در حال نظارت و ارزشیابی مستمر اعمال انسان هستند. بدینسان گستره وسیع و جامعیت و توجه به وضعیت و موقعیت ارزشیابی شونده، از ویژگی‌های عام و مهم ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام به شمار می‌آیند.

ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام یک فرآیند مستمر و دائمی برای رشد و تعالی انسان است. لذا مخاطبان پس از مشخص شدن نقاط قوت و نقاط ضعف خود فرصت اصلاح و جبران نتایج اعمال را از طریق توبه و یا بهره‌گیری از تفکر و تعقل برای اصلاح اشتباهات خواهند داشت. چیزی که

جای آن هم اینک خالی است. بدینسان همه مخاطبان آموزشی می‌توانند به اهداف آموزش و پرورش دست یابند و از گردونه تربیت خارج نشوند. ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام، مبتنی بر یک روش نیست؛ بلکه روش‌های متعددی برای ثبت و ضبط اعمال و رفتارها و نیات انسان به کار می‌رود.

در نظام تربیتی اسلام، خودارزیابی یکی از بهترین روش‌ها برای ارزشیابی عمکردهاست. در ارزشیابی‌های مرسوم، بسیاری از موارد از دید ارزشیابان مخفی باقی می‌ماند و یا هیچگاه مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد. در نتیجه انحرافات احتمالی اصلاح نخواهد شد. توجه به این ویژگی می‌تواند به مخاطبان آموزشی و معلمان و مربیان آموزش و پرورش این امکان را بدهد که خود بتوانند خویش را در ترازوی سنجش اعمال و رفتار قرار دهند. همچنین ارزشیابی تنها از وظایف و اختیارات عده‌ای خاص خلاصه نمی‌شود، بلکه کلیه اعضای جامعه موظفند بر اساس وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر نموده و بر رفتار یکدیگر نظارت داشته باشند و در صورت مشاهده رفتار نادرست و یا انحراف از اهداف تذکر دهند.

با توجه به آن چه که در پاسخ به سوالات پژوهش به عمل آمد، و با نظر به تحلیل‌هایی که صورت گرفت و نیز با ملاحظه این که نظام آموزش و پرورش قصد تاسی از آموزه‌های تربیت اسلامی در برنامه‌های تربیتی را دارد، پیشنهاد پژوهشگران به مسوولان آموزش و پرورش این است که هر چند پیاده سازی کامل نظام ارزشیابی اسلام همراه با مولفه‌ها و تمامیت کیفیت آن در عمل کار دشواری است و این امر مهم تنها از عهده خالق انسان و جهان بر می‌آید، لیکن تاسی و پیروی در حد امکان برای مسوولان و مخصوصاً برنامه ریزان آموزشی و درسی و نیز به دنبال آن از سوی معلمان و مربیان می‌تواند ما را به اهداف ارزشیابی در نظام تربیتی اسلام نزدیک نماید. بدینسان ارزشیابی در این نظام به دلیل جامعیتی که به همراه دارد، ضعف‌ها و کاستی‌های رویکردهای خردگرایانه که بر خرد انسان متکی است و نیز ضعف‌ها و نواقص رویکر دطبیعت گرایانه را که قادر به نفوذ کردن در کنه نیات و فرایندهای ذهنی مخاطبان تربیتی نیست را پوشش می‌دهد. بنابر این توصیه پژوهشگران به مسوولان نظام آموزش و پرورش بهره گیری از مولفه‌های ارزشیابی در اسلام در برنامه‌های تربیتی است.

فهرست منابع

- قرآن کریم. (۱۳۹۸). ترجمه دیباجی حسینی اصفهانی، سید محمد تقی، قم: نور البشری.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۷). ترجمه دشتی، محمد، قم: پارسایان.
- بازرگان هرندی، عباس. (۱۳۸۸). ارزشیابی آموزشی، مفاهیم، الگوها و فرآیند عملیاتی، تهران: سمت.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد ۱، تهران: مدرسه.
- ابیلی، خدایار. (۱۳۷۵). ارزشیابی طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی برای توسعه، اس، اچ بولا، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: موسسه بین‌المللی روش‌های آموزش بزرگسالان
- بهارستان، جلیل. (۱۳۸۱). مطالعه تطبیقی ارزشیابی در مدیریت اسلامی و مدیریت متداول، علوم اجتماعی و انسانی (۳۶)، ۷۱-۵۶.
- پوپر، کارل ریموند. (۱۳۷۰). منطق اکتشاف علمی، ترجمه احمد آرام، تهران: سروش.
- پیاژه، ژان. (۱۳۷۵). تربیت به کجا ره می‌سپارد؟، ترجمه محمود منصور و پریخ دادستان، پریخ، تهران: دانشگاه تهران.
- توتونچی، مینا، چنگیز، طاهره، عالی پور، لیلی، یمانی، نیکو. (۱۳۸۵). نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به فرآیند ارزشیابی استاد، آموزش در علوم پزشکی، (۶)، ص. ۲۳-۳۱.
- جاسبی، عبدالله و ربیعی مندوجین، محمد رضا. (۱۳۷۸). مبانی فلسفی ارزشیابی از دیدگاه مدیریت اسلامی، آینده پژوهی مدیریت، (۴)، ۱۶-۵.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶). دانش و روش بندگی، قم: اسراء.
- حرانی، ابی محمد الحسن بن علی. (۱۳۵۸). تحف العقول. ترجمه غفاری، علی اکبر، تهران: اسلامیه.
- حراغلی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). وسائل الشیعه، چاپ اول، ج ۱۶، قم: موسسه آل‌البیت.
- حسینی زاده، سیدعلی. (۱۳۸۶). ارزشیابی آموزشی در سیره پیامبر و اهل بیت (ع)، تربیت اسلامی (۵)، ۳۷-۵۴.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۶۱). پوزیتیویسم منطقی، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۵). سیری در تربیت اسلامی، تهران: دریا.
- دلوی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۷). مدیریت منابع انسانی، تهران: نقش‌نگین.
- رایبیز، استیفن. پی. (۱۳۹۴). رفتار سازمانی، ترجمه پارسائیان، علی و اعرابی، سید محمد، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۰). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، تهران: دوران.
- شکاری، عباس. (۱۳۸۵). معرفت‌شناسی تطبیقی نظارت و ارزشیابی از دیدگاه مدیریت غربی با مدیریت علوی، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، (۱۰۷)، ۱۳۰-۶۳.

- علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۲). نقش جریان روشنفکری در سکولاریسم تربیتی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- قرائتی، محسن. (۱۳۶۳). معاد، قم: اسلامی.
- کفاشان، محمد، خیرالله، عزت الله. (۱۳۹۶). ارزشیابی مبتنی بر شایستگی بر اساس آموزه‌های دینی و سند تحول بنیادین، رشد آموزش فنی و حرفه ای و کارو دانش، (۴۶)، ۱۸۲-۱۸۹.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق. (۱۹۹۲م). اصول الکافی، ج ۱، بیروت: دارالاضواء.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). اصول الکافی، ج ۲ و ۵، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- گوتک، جرال ال. (۱۳۹۴)، مکاتب فلسفی و آراء فلسفی، ترجمه: محمد جعفر پاک سرشت، تهران: سمت.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۲). تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۷ قم: اسلامی.
- محدث نوری، (میرزاحسین). (۱۹۸۸). مستدرک الوسائل، ج ۹، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ۲۴) محمدی ری شهری. (۱۳۸۶). میزان الحکمه، ج ۳ و ۶. قم: دارالحدیث.
- معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی معین، چاپ ششم. تهران: امیر کبیر.
- مگی، بریان. (۱۳۵۹). پوپر، ترجمه بزرگمهر، منوچهر، تهران: خوارزمی.
- نجفی، حسن، ملکی، حسن. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری و روسو، معرفت اخلاقی، (۱۹)، ۹۱-۱۱۴.
- نقوی، میرسیدعلی و فرهادی. (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد سازمانی از منظر نهج البلاغه، پژوهش نامه نهج البلاغه، شماره ۱۵، صص ۲۱-۳۹.
- ویسی، غلامرضا. (۱۳۸۴). اصول ارزشیابی عملکرد کارکنان با رویکرد دینی، حصون، (۴)، ۱۳۷-۱۵۴.
- سازمان امور اداری و استخدامی کشور. (۱۳۷۵). طرح ارزشیابی کارکنان دولت، دفتر بهسازی و بهره‌وری نیروی انسانی، تهران: سازمان معین ادارات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی